



سارانا ز قلی زاده

نشر آقای کتاب

139A

سرشناسه	قلیزاده، سارازار، ۱۳۵۹ -
عنوان و نام پدیدآور	شگست ناپذیر به وسعت هستی / سارازار قلی زاده.
مشخصات نشر	تهران: آقای کتاب، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	۱۰۶ ص:؛ ۱۴×۵/۲۱ س.م.
شابک	978-622-217-064-6
وضعیت فهرست نویسی	فیا
موضوع	داستان های فارسی -- قرن ۱۴
موضوع	Persian fiction -- 20th century
رده بندی کنگره	PIR۸۳۵۷
رده بندی دیویی	۶۲/۳۴۸
شماره کتابشناسی ملی	۵۶۸۰۹۷۰

ناشر	آقای کتاب
عنوان	شگست ناپذیر به وسعت هستی
گردآورنده	سارازار قلی زاده
نوبت چاپ	اول / ۱۳۹۸
تیراژ	۱۰۰ جلد
قیمت	۲۵ هزار تومان
شماره شابک	۹۷۸-۶۲۲-۲۱۷-۰۶۴-۶

این اثر مشمول قانون حمایت مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ است، هرکس تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه ناشر یا مؤلف، نشر یا پخش کند مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به ناشر و مؤلف می باشد.

آدرس نشر و محل توزیع: تهران، میدان انقلاب، ابتدای خ وحید نظری، بن بست بختیاری، پلاک ۷، واحد ۱ تلفن و دورنگار: ۶۶۱۷۶۸۹۱

سایت: www.aghayeketab.ir ایمیل: Info@aghayeketab.com

"مسئولیت صحت مطالب کتاب با مؤلف می باشد"

فهرست مطالب

۴	مقدمه:
۵	فصل اول زن سی و چند ساله:
۹	فصل دوم کودکی و جسارت:
۱۱	فصل سوم شیطنت‌های خردسالی:
۱۳	فصل چهارم ترس از دست دادن:
۱۷	فصل پنجم حس بی هویتی:
۲۱	فصل ششم پذیرش بلوغ:
۲۳	فصل هفتم عشق حقیقی:
۲۷	فصل هشتم اشتیاق طرد شدن:
۳۱	فصل نهم عشق نافر حام:
۳۵	فصل دهم مقابله با نصایح:
۳۷	فصل یازدهم رو کم کردن:
۴۳	فصل دوازدهم انتخاب نادرست:
۴۷	فصل سیزدهم خودباختگی و بی هویتی:
۵۱	فصل چهاردهم رازهای آشکار:
۵۵	فصل پانزدهم سرگشتگی:
۶۵	فصل شانزدهم چشم‌پوشی از حقایق:
۶۹	فصل هفدهم حس نگون‌بختی:
۸۱	فصل هجدهم تولد نیاز:
۹۳	فصل نوزدهم سیاه جاله:
۱۰۱	فصل بیست و یکم سکوت پرمعنا و تلاش برای نجات:

مقدمه:

سی و چند سالگی یک زن را هر کسی نمی‌فهمد. سی و چند سالگی یک زن، یعنی جمع دلفریبی و شیطننت ضرب در وقار و متانت.

زن سی و چند ساله را در یک مهمانی با لباس شب مشکی و موهایی که از پشت سر جمع کرده، باید دید. گاه با لباس بلندی که بعضی وقتها هم روی زمین کشیده می‌شود، خرامیدنش، و گامهای شمرده، شمرده‌اش را.

زن سی و چند ساله تازه اول پختگی است. سرشار از هوشی زنانه و زیبایی دو چندان. شبیه نسیم خنکی که عصر یک روز تابستانی روی پوست عرق کرده صورت می‌وزد. شبیه صدای دل انگیز خوردن باران روی برگها و چمن. شبیه هر چه که تو را وارد یک خلسه شورانگیز می‌کند. زن سی و چند ساله مانند مخدری است که زندگی را سر حال می‌آورد.

زن سی و چند ساله یک نقاش بی‌نقص است از مجموعه هر آنچه می‌شود در یک قاب جمع کرد.

زن سی و چند ساله اگر چنانچه روی صورتش می‌افتد، دلیلش این است که او خندیده و اگر چند تار موی سپید داشته باشد، یعنی رنجیده و از دیگر اعضای خانواده‌اش مراقبت کرده. زن سی و چند ساله اگر زخمی داشته باشد یعنی با تمام وجود زندگی کرده. اگر زنی سی و چند ساله از درد اندامش صحبت می‌کند، نیازی به دکان آدرس یک پزشک حاذق ندارد؛ او فقط ته دلش آرامش می‌خواهد و شعری عاشقانه و داروی همیشگی‌اش "دیده شدن" است.

زن سی و چند ساله دیگر از متفاوت بودن هراسی ندارد. او سبک زندگی خودش را می‌خواهد، حتی اگر نتیجه‌اش تنهایی باشد. زن سی و چند ساله می‌داند که تنهایی، بهتر از بودن در میان جمعی است که او را در صورتی دوست خواهند داشت که مانند آنها رفتار کند. زن سی و چند ساله نمی‌گذارد کسی به زندگی‌اش جهت بدهد. او با قبول سن و سالش می‌خواهد با رویاهای خودش سر کند، چون آن زندگی از آن اوست؛ می‌خواهد لذت ببرد و نمی‌گذارد هر احمقی هر چه که می‌خواهد بگوید.....

زندگینامه دختر بچه ای جسور تا سن سی و چند سالگی اش

"از طرف سارا تا سن سی و چند ساله"